

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1385/10/03

دومین روایتی که در بخاری و سایر سنن و مسانید آمده است، از ابن عباس است که از عطاء بن یسار نقل می کند :

عن زید بن أسلم عن عطاء بن یسار عن ابن عباس انه توضأ فغسل وجهه اخذ غرفة من ماء فمضمض بها واستنشق ثم اخذ غرفة من ماء فجعل بها هكذا أضافها إلي يده الأخرى فغسل بها وجهه ثم اخذ غرفة من ماء فغسل بها يده اليمنى ثم اخذ غرفة من ماء فغسل بها يده اليسرى ثم مسح برأسه ثم اخذ غرفة من ماء فرش علي رجله اليمنى حتي غسلها ثم اخذ غرفة أخرى فغسل بها رجله يعني اليسرى ثم قال هكذا رأيت رسول الله صلي الله عليه وسلم يتوضأ .

صحیح البخاری، البخاری، ج 1، ص 44

این اس اساسی است که بخاری از ابن عباس نقل کرده است و من گشتم و هیچ روایت دیگری از ابن عباس در بخاری پیدا نکردم. این یکی از اساسی ترین روایتی است که آن ها آورده اند مبني بر وضوي غسلی در برابر وضوي مسحي. ما در این جا سه تا جواب اساسی داریم:

1. این روایتی که بخاری آورده معارض است با روایتی که در سایر کتب اهل سنت از عطاء بن یسار، عین همین سند وارد شده است که در آن جا واژه غسل ندارد؛ بلکه واژه مسح دارد و سند هم صحیح است.

در معجم اوسط، ج 1، ص 405 و ج 10 ص 87 این روایت نقل شده است و نیز در سنن أبي داود، ج 1، ص 37 و سنن بيهقي ج 1، ص 73 این روایت را نقل مي کند و مي گوید:

هذا أصح حديث روي عن النبي صلي الله عليه وسلم في هذا إلي ما يوافق رواية الجماعة.

غرض این است که همان روایت با همان سند از عطاء بن يسار از ابن عباس، مسح علي ظهر قدميه دارد.

آقاي بخاري! عبارت تو صحيح است يا عبارتي که در سنن أبي داود و سنن بيهقي و معجم طبراني و... با سند صحيح نقل شده است؟ سند که صحيح شد، مي شود حجت.

2. گذشته از این روایات، آن چه که از آقاي ابن عباس شهرت یافته میان متقدمین و متأخرین، میان محدثین و فقهاء، وضوي مسحي است. هر کتاب فقهی از اهل سنت را مراجعه کنید، از ام شافعي که مقدم ترین کتاب های فقهی آن ها است و... وقتی بحث وضو را شروع مي کند، از ابن عباس نقل مي کنند که قائل به مسح رجلين بوده است. این قضیه فوق روایت است. مثلاً خود سيوطي وقتی درالمنثور به قضیه وضو مي رسد مي گوید:

وأخرج عبد الرزاق وابن أبي شيبة وابن ماجه عن ابن عباس قال أبي الناس الا الغسل ولا أجد في كتاب الله الا المسح.

الدر المنثور، جلال الدين السيوطي، ج 2، ص 262 و مسند احمد، احمد بن حنبل، ج 6، ص 358 و سنن دار قطني، ج 1، ص 96 و مصنف ابن أبي شيبة ج 1، ص 32

ابن عباسي که از او تعبیر مي کنند به حبر الأمة و مفسر القرآن و در رأس مفسرين اهل سنت است حتي از عكرمه و... که آن همه تجليل مي کنند، به انگشت كوچك ابن عباس در تفسير نمي رسند.

باز از عبد الرزاق و از ابن حمید از ابن عباس نقل می کند که:

وأخرج عبد الرزاق وعبد بن حميد عن ابن عباس قال افترض الله غسلتين ومسحتين ألا تري انه ذكر التيمم فجعل مكان الغسلتين مسحتين وترك المسحتين .

الدر المنثور، جلال الدين السيوطي، ج 2، ص 262

و بعد می گوید:

وأخرج ابن جرير وابن المنذر عن قتادة مثله.

همین تعبیر را ابن عربی در احکام القرآن دارد و عن ابن عباس وقتادة افترض الله مسحين وغسلين ( أحكام القرآن، ابن العربي، ج 2، ص 71 ) و متقی هندی در کنز العمال دارد. عن ابن عباس قال : أفترض الله غسلتين ومسحتين، ألا تري أنه ذكر التيمم فجعل مكان الغسلتين مسحتين وترك المسحتين . ( كنز العمال، المتقي الهندي، ج 9، ص 433 ) و همچنین دار قطنی از ابن عباس نقل می کند:

ما أجد في الكتاب إلا غسلتين ومسحتين.

سنن الدارقطني، الدارقطني، ج 1، ص 101

ابن قدامه که از فقهای حنبلی است می گوید:

وحكي عن ابن عباس أنه قال ما أجد في كتاب الله إلا غسلتين ومسحتين

المغني، ابن قدامه، ص 120

سرخسي که در رأس علمای حنفي مذهب است در کتاب المبسوط مي نويسد:

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ نَزَلَ الْقُرْآنُ بِغَسْلَيْنِ وَمَسْحَيْنِ.

المبسوط، ج 1، ص 8

ابن جرير طبري هم همين تعبير را از ابن عباس نقل مي کند و مي گويد:

عن ابن عباس قال: الوضوء غسلتان ومسحتان.

ابن كثير دمشقي سلفي که شمشير برداشته عليه اهل بيت و تشيع همين تعبير را در تفسيرش ج 2، ص 27 از ابن عباس نقل مي کند.

عن ابن عباس: «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكُعْبَيْنِ» قال: هو المسح. ثم قال: وروي عن ابن عمر وعلقمة، وأبي جعفر، [و] محمد بن علي، والحسن، في إحدَي الروايات، وجابر بن زيد، ومجاهد، في إحدَي الروايات، نحوه.

وقال ابن جرير: حدثنا يعقوب، حدثنا ابن علية، حدثنا أيوب، قال: رأيت عكرمة يمسح علي رجله، قال: وكان يقوله.

تفسير ابن كثير، ج 2، ص 27 و تفسير سيوطي، ج 2، 164

هيچ فقيه سني؛ چه حنفي، چه شافعي، چه حنبلي، چه مالكي، چه زيدي و... وقتي به مسح مي رسند اين که اشتهر عن ابن عباس مسح رجلين را متذکر مي شوند؛ يعني فقيهي از فقهاي اهل سنت و مفسري از مفسران اهل سنت پيدا نمي کنيد به وضو برسد و وضوي مسحي را به ابن عباس نسبت نداده باشد.

3. یکی از صحابه به نام ربیه بنت معوذ از انصاریات است. ایشان از پیغمبر نقل کرده بوده که پیغمبر وضو می گرفت، پایش را می شست. این مطلب به گوش ابن عباس می رسد. ابن عباس معترضاً می رود پیش این صحابه که از کجا این حرف را می زنی. یعنی این قدر برای ابن عباس مهم است که وقتی يك صحابه چنین چیزی می گوید، اعتراض می کند.

حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة. ثنا ابن علية، عن روح بن القاسم، عن عبد الله بن محمد بن عقيل، عن الربيع، قالت: أتاني ابن عباس فسألني عن هذا الحديث. تعني حديثها الذي ذكرت أن رسول الله صلى الله عليه وسلم توضأ وغسل رجله. فقال ابن عباس: إن الناس أبوا إلا الغسل ولا أجد في كتاب الله إلا المسح.

**سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني، ج 1، ص 156**

ظاهر روایت این است که این قضیه در اواخر عمر ابن عباس؛ یعنی اواخر عمر بنی امیه بوده است. دلیل ما روایت دیگری است که مربوط به امام سجاد علیه السلام است. ناقل آن احمد بن حنبل در مسندش است. ظاهراً این صحابه عمر طولانی داشته است. ووقتی صحابه انگشت شمار می شوند، نقل يك روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جامعه می گیرد و تمام مرویات دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد. معلوم می شود که این روایت در حقیقت داشت يك فرهنگ برای مردم درست می کرد.

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا سفیان بن عيينة قال حدثني عبد الله بن محمد بن عقيل بن أبي طالب قال أرسلني علي بن حسين إلي الربيع بنت معوذ بن عفراء فسألته عن وضوء رسول الله صلى الله عليه وسلم فأخرجت له يعني اناء يكون مدا أو نحو مد وربع قال سفیان كأنه يذهب إلي الهاشمي قالت كنت اخرج له الماء في هذا فيصيب علي يديه وقال مرة يغسل يديه قبل ان يدخلهما ويغسل وجهه ثلاثا ويمضمض ثلاثا ويستنشق ثلاثا ويغسل يده اليمني ثلاثا

واليسري ثلاثا ويمسح برأسه وقال مرة أو مرتين مقبلا ومدبرا ثم يغسل رجله ثلاثا قد جاءني ابن عم لك فسألني وهو ابن عباس فأخبرته فقال لي ما أجد في كتاب الله الا مسحتين وغسلتين.

مسند احمد، الإمام احمد بن حنبل، ج 6، ص 358 و سنن الدارقطني، الدارقطني، ج 1، ص 101

این روایت را وقتی دیدم، خیلی برایم لذت بخش بود. یعنی مؤید این مطلب است که قضیه ابن عباس در اواخر عمر بنی امیه است و اعتراض ابن عباس هم به این خاطر است که حکومت آمده و از این صحابه سوء استفاده کرده تا عقاید خودشان را در جامعه تثبیت کند.

حال این که امام سجاد بعد از آن چه گفته است، برای ما معلوم نیست و روایت دم بریده است؛ چون این کتاب ها در زمان بنی العباس نوشته شد و این ها کلیه تألیفات شان با نظر حکومتی ها نوشته شده است.